

گذری بر تاریخ حضور معاودین در مشهد و برگزاری آیین‌های عزاداری در رمضان به سبک شیعیان عرب

بازگشتگان از حرم به حرم

۱۳۱۳ خورشیدی یکی از دلایلی است که سبب می‌شود بسیاری از خانواده‌هایی که تاب‌تن دادن به چنین قانونی را نداشتند، عطای ماندن در وطن را به لقایش ببخشند و راهی دیار غربت شوند. بیشتر این افراد کشور همسایه عراق و مجاور شدن با کربلا، کاظمین، نجف و سامرا را برمی‌گزینند تا اگر نمی‌توانند در سایه آستان ملائک پاسبان حضرت‌رضا^(ع) باشند، حداقل خاک عطر آگین این دیار را توتیای چشم کنند. البته این نخستین کوچ جمعی ایرانیان نیست و پیش از این و در دوره قاجار نیز مهاجرت ایرانیان به عراق (به ویژه طلاب و تجار) باب بوده که این موضوع با شدت پیدا کردن سیاست‌های غلط دوره پهلوی اول افزایش پیدا می‌کند. اما آنچه سبب بازگشت این گروه می‌شود را باید در تیره و تار شدن روابط ایران و عراق به سبب مسائل سیاسی و مرزی در

طوبی اردلان مشهد همیشه شهر پناه بوده و گواه این گفته، سواي زواری که قرن‌ها به این دیار آمدوشد داشته‌اند، تعداد مهاجرانی است که از شهرها و کشورهای مختلف می‌آیند و همسایه آستان ملائک پاسبان حضرت دوست می‌شوند. شیعیان عراقی شهرهای کاظمین، کربلا و نجف جمعی از این مهاجران هستند که اکنون در برخی مناطق مشهد به صورت پراکنده یا متمرکز سکنی گزیده‌اند. در کنار این‌ها اما تاریخ از جمعیت مهاجری با عنوان معاودین (بازگشتگان) نام می‌برد که از عراق آمده‌اند، ولی ریشه‌ای ایرانی دارند. معاودین در واقع جمعیتی ایرانی هستند که در یک برهه تاریخی بنا به شرایط سیاسی و اجتماعی روزگار خود، برای دهه‌ها و نسل‌ها ترک وطن گفته، اما دوباره بازمی‌گردند. برای نمونه سیاست کشف حجاب رضاخانی در سال

● معاودین چه زمان به وطن بازگشتند؟

نخستین اخراج ایرانی‌ها توسط حزب بعث به زمان لغو یک‌جانبه قرارداد ۱۹۳۷ میلادی (قرارداد اداره اوندورد) باز می‌گردد. حکایت‌ها می‌گویند، پس از به نتیجه نرسیدن قراردادهای مختلف ایران و عراق بر سر موضوع تعیین تالوگ مرز اورد و حق استفاده مشترک از این رود، سرانجام عراق در اواخر فروردین ۱۳۴۸ خورشیدی، ایرانی‌های مقیم آن کشور را در بغداد، کاظمین، سامرا، دستگیر و با وضع رقت‌باری اخراج می‌کند. با بدتر شدن روابط ایران و عراق، اخراج ایرانی‌ها باز هم ادامه پیدا می‌کند تا آنجا که اواخر سال ۱۳۵۰ خورشیدی جمعیت زیادی از این مهاجران به مرزهای ایران می‌رسند. تیت‌ر بیشتر روزنامه‌های این زمان به مهلت شش روزه دولت عراق به ایرانی‌ها برای خروج از این کشور، رفتار خشونت‌آمیز با ایرانی‌ها و اخراج دوهزار ایرانی اختصاص دارد. راوایان همچنین شرح می‌دهند که رژیم بعث، ایرانی‌های عراق را در کوچه، خیابان و منازل دستگیر و بدون اینکه به آن‌ها حتی اجازه پوشیدن لباس بدهند،

سوار کامیون می‌کنند و به مرز می‌فرستند. این موضوع آن قدر سریع و ظالمانه رخ می‌دهد که روزنامه‌ها در دی ۱۳۵۰ خورشیدی، خبر اخراج ۴۱ هزار ایرانی را در ۲۴ ساعت روی باجه‌های جراید می‌نشانند و پس از این است که این گروه به «معاودین (بازگشتگان)» شهره می‌شوند.

● معاودین در ابتدای ورود به مشهد

این بازگشتگان که بعدها بیشترشان در مشهد و قم ساکن می‌شوند، در بدو ورود میان چادرهایی که در اراضی الندشت، محمدآباد و کوهسنگی که هنوز جزو محدوده شهری نبوده است، اسکان پیدا می‌کنند. در سیاه اسناد آستان قدس رضوی هم آمده که نخستین جمعیت این گروه سال ۱۳۵۴ خورشیدی حدود ۴۰ خانوار بوده‌اند و خارج دروازه قوچان گذران روزگاری کرده‌اند. برخی از معاودین هم پس از دو ماه اقامت در اطراف مشهد به کاروان‌سرایي در طبس منتقل می‌شوند و تا سه سال در همین مکان باقی می‌مانند. دلیل این امر نیز گویا حصول اطمینان از این بوده که آن‌ها جاسوس

رژیم بعث نیستند و علیه ایران اقدامی نخواهند کرد که با اثبات این موضوع در اواخر سال ۱۳۵۶ این گروه اندک نیز ترخیص و به جمع دیگر معاودین مشهد ملحق می‌شوند. همچنین در شرح اسناد به جا مانده، آمده که جمعیت نخستین معاودین مشهد ابتدا در انتهای بیست متری طلاب که در حال ساخت و ساز بوده، مستقر و حتی صاحب‌خانه می‌شوند. حدود ۱۰۰ خانوار از معاودین هم هسته اصلی محله اعراب در گذشته را تشکیل می‌دهند و مسجد امیرالمؤمنین^(ع) معروف به مسجد اعراب را سقف و ستون می‌زنند، اما اکنون می‌توان آن‌ها را در همه مناطق مشهد دید و دیگر به صورت هسته در یک نقطه متمرکز نیستند.

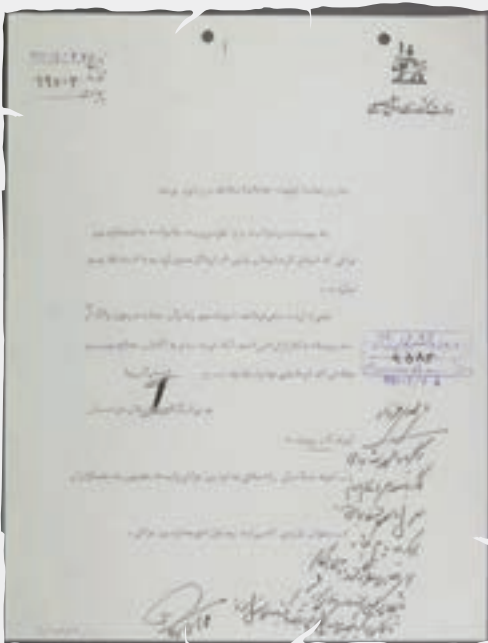
● کاظمینی‌ها، کربلایی‌ها و نجفی‌ها

معاودین در مشهد به سه گروه کاظمینی‌ها، کربلایی‌ها و نجفی‌ها تقسیم می‌شوند که گروه اول بیشتر بازاری و در مشاغل آزاد فعالیت دارند و جمعیشان برای برگزاری مراسم مذهبی و اجتماعات مختلف در حسینیه کاظمینی‌های چهارراه مقدم طبرسی جمع می‌شوند.

کربلایی‌ها هم با اینکه ارتباط بسیار خوبی با نجفی‌ها و کاظمینی‌ها دارند، حسینیه‌ای مستقل در خیابان طبرسی ساخته‌اند. جالب است بدانید که آن‌ها دو رسم خاص عزاداری را با خود به مشهد آورده‌اند که در یکی دو دهه اخیر بسیار رواج پیدا کرده است. نخست دایر کردن قهوه‌خانه و ایستگاه‌های صلواتی است و دوم هم نوشتن کلمات و شعارهای مذهبی روی ماشین‌ها. اما از میان این سه گروه، نجفی‌ها به دلیل مراسم ویژه‌ای که در شب‌های احیا به ویژه شب شهادت حضرت علی^(ع) برگزار می‌کنند، خاص‌تر هستند. این گروه که سال ۱۳۴۹ از خورشیدی به مشهد آمده‌اند، از همان بدو ورود شعار مذهبی «از علی^(ع) تا علی^(ع)» را برای خود انتخاب کرده‌اند که منظور از علی^(ع) نخستین امیرالمؤمنین^(ع) است و دومین علی^(ع) نیز اشاره به علی‌ابن‌الموسی‌الرضا^(ع) دارد. نجفی‌های مشهد هم برابر آنچه در کتاب «گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون»، آمده است، نخست هسته اصلی خود را در راه‌آهن و سمرقندتشکیل می‌دهند و از سال ۱۳۵۰ خورشیدی نیز هیئت مذهبی خود را

راه می‌اندازند. ابتدا هم در خیمه عزاداری می‌کرده‌اند تا اینکه حسینیه نجفی‌ها را می‌سازند که بزرگ‌ترین و زیباترین حسینیه مهاجران در مشهد است. ماجرای ساخت حسینیه نجفی‌ها هم این طور رقم می‌خورد که گویا هفت نفر از مهاجران بازگشته از نجف و کربلا، شش‌دانگ یک باب‌خانه واقع در کوچه چهارباغ را برای ساخت حسینیه وقف می‌کنند. سه نفر از واقفان با نام‌های سید محسن حمیدی، محمدتقی زره‌ساز، محمد رضا رضایی از کربلا و احمد شیخانی، سید محمدعلی رجایی شوشتری، محمد صالح میرزای کرمانی، عبدالصاحب شیخانی از نجف واقفان اصلی این حسینیه هستند. حیاط وسیع، ایوان و مناره‌های کاشی‌کاری شده با رنگ آبی از ویژگی‌های شاخص حسینیه نجفی‌هاست.

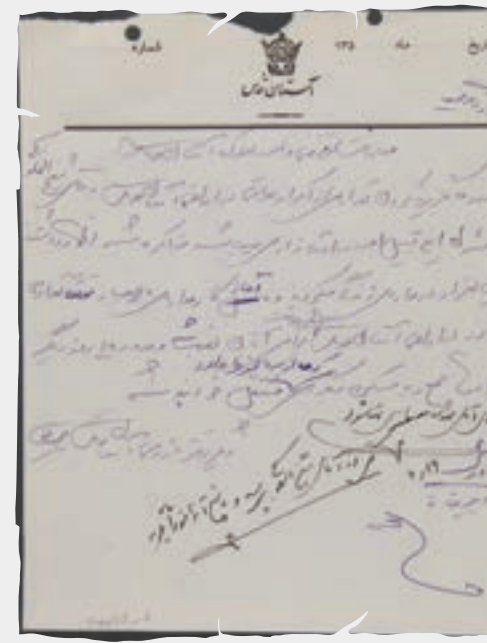
منبع: کتاب گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون نوشته علی‌نجف‌زاده، کتاب مرز خسروی از لیلا حسین‌پور، کتاب انقلاب دوم از انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی



رونوشت آستان قدس رضوی به اداره کل کشاورزی، تیر ۱۳۵۰؛ ۱۸ نفر سرپرست خانواده‌های معاودین عراقی مبنی بر پرداخت وام برای اشتغال به کار نام‌بردگان. خواهشمندم دستور فرمایید معاودین مزبور را به اداره سیاسی و انتظامی استانداری راهنمایی کنید تا نسبت به معرفی آنان به بانک ملی برای دریافت وام مورد لزوم اقدام لازم انجام شود.»



رونوشت دفتر بازرسی آستان قدس به رئیس اداره وصول عایدات آستان قدس، مهر ۱۳۵۰؛ «با توجه به مذاکره تلفنی، به مأمورین گروه حفاظت اراضی الندشت، محمدآباد و پایین خیابان ابلاغ شده تا از ساختن توالت برای معاودین عراقی در اطراف چادرهایی که از طرف شیر خورشید در اراضی آستان قدس نصب شده است، جلوگیری نکنند.»



استانداری به آستان قدس، مهر ۱۳۵۰؛ «در مورد جایگزین کردن تعدادی از اکراد عراقی در اراضی آستان قدس مذاکره شده، این افراد در مدارس زندگی می‌کردند که با آغاز کار مدارس تعدادی چادر در اراضی آستان قدس به طور موقت برای آنان نصب شده و حدود ۱۵۵ روز دیگر به مسکن دیگری که آنان را از سرما محفوظ بدارد، منتقل خواهند شد.»



رونوشت محرمانه معاونت امور املاک به مدیراملاک آستان قدس، مهر ۱۳۵۰؛ «برای تعدادی از اکراد عراقی که به ایران آمده‌اند در منطقه کوهسنگی و همچنین پایین خیابان و محمدآباد تعدادی چادر زده‌اند. ضمناً در سمرقند هم این عمل انجام شده است که برای استحضار به عرض رسیده و گویا از طرف شیر خورشید است.»

درباره آیین‌های عزاداری نجفی‌های مقیم مشهد در شب شهادت امیرالمؤمنین^(ع)

تشیيع با شکوه و شبانه یک پیکر

قدر خلاصه می‌شود که در همه جا معمول است، اما یک تفاوت هم هست و آن برگزاری آیین تشییع جنازه امیرالمؤمنین^(ع) در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان است. البته قبل‌تر این بوده و حالا چندسالی است که در شام شب بیست‌ودوم برگزار می‌شود. در این تشییع نمادین و شبانه، تابوت بزرگی توسط جمعیت بزرگ عزاداران حمل می‌شود و روی این تابوت شمشیری قرار دارد که عمامه سبز رنگی را شکافته است. این تشییع باشکوه و شبانه یک دلیل بیشتر ندارد؛ بدن مطهر امیرالمؤمنین^(ع) شبانه و مظلومانه

با همین نیت تأسیس شد و حالا بیش از ۵۰ سال است که به صورت مستمر برنامه‌هایشان را برگزار می‌کنند؛ منظم، به‌قائده و با برنامه مشخص. پروپیمان‌ترین برنامه نجفی‌ها به ماه محرم تعلق دارد. از آیین «مشعل گردانی» تا «مشق السیف»، که در روزهای پایانی دهه اول برگزار می‌شود تا «قصیده خوانی‌هایی»، که مختص شب عاشورا است و به قصیده‌های «گعدیه» شهرت دارند و همچنین برگزاری مراسم «عروسی حضرت قاسم^(ع)». در ماه مبارک رمضان آداب و رسوم معاودین در برگزاری جشن میلاد امام حسن مجتبی^(ع) و آیین واداد شب‌های

این بود: «از علی تا علی»، ساکن که شدند و آرام که گرفتند حسینیه خودشان را علم کردند، حسینیه نجفی‌های مقیم مشهد و بعد نجفی‌های مقیم تهران و قم و اصفهان و کاشان و چند شهر دیگر. اقلیت‌ها معمولاً خیلی زود باتوق خودشان را برپا می‌کنند. جایی که بتوانند دوباره با آیین و آداب و روش خودشان شاد باشند و عزاداری کنند. منبری عربی بخواند، مولودی خوان عربی، نوحه‌خوان و مشعل گردان عربی تا غربت را دور کنند از خودشان. حسینیه نجفی‌ها از همان سال‌های ابتدای دهه ۵۰

قاسم فتحي جرمشان داشتن رگ و ریشه‌ای ایرانی بود. بیشتر هم مردانی بودند که چند نسل قبل‌تر از ایران به عراق مهاجرت کرده و خانواده‌ای تشکیل داده بودند، ولی حالا تشنیشان برای یعنی‌ها مهم شده بود. ایرانی بودن جرم بود و حالا باید زار و زندگی‌شان را برمی‌داشتند و برمی‌گشتند به کشورشان، کشوری که تقریباً نه زبان‌شان را می‌دانستند و نه با فرهنگش آشنا بودند. برای همین، مقصد خیلی‌هایشان خرمشهر بود و چند شهر دیگر از استان خوزستان. تنها استانی که مرام و مسلک و آیین و مهم‌تر از همه حرف زدنشان به عرب‌های عراقی نزدیک بود، اما جنگ که آغاز شد آن‌ها دوباره بارو و بندیل بستند و به جایی دیگر رفتند. برای همین برخی از معاودین دوبار آواره شدند؛ یکی اوایل دهه ۵۰ و دیگری اواخر دهه ۵۰ وقتی که سوت اولین موشک بلند شد. از آنجا که بیشترشان شیعه بودند ترجیح دادند ساکن مشهد و قم شوند. خیلی‌ها که به مشهد آمدند شعارشان



چند نماز مراسم تشییع پیکر نمادین حضرت علی^(ع) در حسینیه نجفی‌ها